

گزارد حق زنده‌یاد تفضلی

حسین جنتی مهر

به خرج می‌دادند، با رجوع به حماسه‌سرایی در ایران در می‌یافتند که ترجمه آنان چه تفاوتی با اصل دارد. «چون زمان یزدگرد شهریار رسید مجموع آن (اخبار که در عهد انوشیروان گردآورند) در تواریخ متفرق در خزانه جمع شده بود. دانشور دهقان را که از جمله اکابر مداین بود... بفرمود تا تواریخ را فهرستی نهاده از ابتدای دولت کیومرث تا انتهای دولت خسرو پرویز بر ترتیب یاد کرد...» (صفا، ص ۶۰) زیرا که خزانه شاهی محل جمع‌آوری است نه پراکنده شدن. در متن مقدمه بایسنقری مشخص و دقیق زمان «فهرست نهادن تواریخ» را می‌گوید: «از ابتدای گیومرث تا انتهای دولت خسرو پرویز».

این دو نمونه و نمونه‌های دیگر، نگارنده را از خواندن دو سخنرانی دیگر منصرف ساخت، اما باز هم در قضاوت جانب احتیاط را رها نکرد تا این‌که به تازگی این سه سخنرانی با ترجمه مهرداد قدرت دیزجی منتشر شد. مترجم از راهنمایی استاد ژاله آموزگار در بازنگری ترجمه عبارت‌های پهلوی و از یاری خانم زهره هدایتی برای ویراستاری متن ترجمه بهره برده است (ص شش) که حاکی از دقت و تأمل مترجم است، پس می‌تواند دلیلی برای اطمینان به متن ترجمه اخیر باشد. هر چند اگر متن انگلیسی را در اختیار داشتیم با اطمینان بیشتری اظهار نظر می‌کردیم. نخست ترجمه مقاله «دهقانان» را با «دهقان» دانشنامه ایرانیکا سنجیدیم، الحق در نقل از منابع یکسان، نقل قول‌ها همه عیناً نقل یا درست معنی شده است. جز یک مورد که آن هم شاید اشتباه چاپی یا سهوی باشد، «صد هزار روستای [روستایی / کشاورز] محاصره شده» (ص ۵۳).

از غلط‌های نگارشی و ناپیراستگی متن ترجمه مختاریان و باقی برای این‌که به اصل مطلب بپردازیم و از اطاله کلام بپرهیزیم، تنها به نمونه‌ای چند بسنده می‌کنیم و در [] درست آن‌ها را نیز پیشنهاد می‌کنیم. در نقل قول‌هایی نیز که خواهد آمد، متوجه خطاهای نگارشی بیشتری می‌شویم.

«در زبان عربی به صورت جند، جمع [آن] جنود وارد شده است» (ص ۱۷)

«... تا عهدی را که با ابن امیر [ابن عامر] سردار عرب...» (ص ۲۲)



جامعه ساسانی: سپاهیان، کاتبان و دبیران، دهقانان. احمد تفضلی. ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.

● جامعه ساسانی. احمد تفضلی. ترجمه مهرداد قدرت دیزجی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷.

کسی نیست که درباره تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام و پس از اسلام، به ویژه سه چهار قرن اول، بخواند و بنویسد

ولی بی‌نیاز از نوشته‌های زنده‌یاد دکتر احمد تفضلی باشد. نوشته‌ای از اهل تحقیق، چه ایرانی چه غیرایرانی، نیست که درخت علم او بر آن سایه‌گستر نباشد.

در سال ۸۵ سخنرانی‌های آن زنده‌یاد با نام جامعه ساسانی... برگردان شیرین مختاریان و مهدی باقی روانه بازار کتاب شد و سبب خوشحالی علاقه‌مندان گشت. هنگام خواندن مقاله «دهقانان» به عبارتی برخوردیم که هر چه می‌اندیشیدیم به نظرم درست نمی‌آمد. «نام چندی از محدثان، دهقانان، دهقان‌زاده نواحی سمرقند را سفی آورده است.» (ص ۷۹) این «محدثان» چه کسانی هستند؟ در این عبارت چه ارتباطی با دهقانان دارند؟ به ترجمه مدخل «دهقان» تألیف استاد تفضلی در دانشنامه ایرانیکا در نامه فرهنگستان (ش ۹) رجوع کردم، از ابن فندق نقل کرده است که «از چند تن از علما و ادبا، از جمله علمای دینی نام برده شده که در زمره دهقانان یا از تبار آنان بوده‌اند.» (همان، ص ۱۵۲) حال روشن شد که برخی از اهل علم در آن دوره از «دهقانان و یا از تبار آنان» بوده‌اند. بنابراین «محدثان» در مقاله «دهقانان» یا اشتباه در فهم متن انگلیسی است یا بی‌مبالاتی در ترجمه.

نیز این عبارت: «به روزگار یزدگرد (سوم)، پسر شهریار، (مجموعه روایاتی که در عهد خسرو اول گردآوری شده بود) در خزانه شاهی پراکنده شد. یزدگرد دهقانی دانشمند را که از بزرگان مدائن بود فرمود تا فهرستی از تواریخ فراهم آورد و از عهد کیومرث تا روزگار خسرو (دوم) پرویز مرتب گرداند.» (ص ۸۰، تأکید از نویسنده این گفتار است). اگر مترجمان اندکی دقت و حوصله

«(واسپوهرگانِ معرب [به عربی] اهل البیوتات)» (ص ۶۷) و نمونه‌ای دیگر در صفحه ۷۲.

«آرامی» غلط و به جای آن «ارمنی» درست است. (صص ۵۲ و ۵۳)

«زمین‌های دهقانان در ناحیه سواد به آنان واگذار شد و ایشان از پرداخت جزیه معاف بودند، پس اسلام را پذیرفتند.» (ص ۷۱) این جمله بدون شک برعکس ترجمه شده است. حتماً مترجمان می‌دانند که غیرمسلمانی که اسلام بیاورد از جزیه معاف می‌شود، نه قبل از پذیرفتن اسلام.

از نمونه‌های دیگر مانند یکدست نبودن واژه‌ها، اصطلاحات و آوانویسی به فارسی و لاتین در می‌گذریم.

پیش از این که به اصل ادعای خود بپردازیم، لازم به یادآوری است که به ترجمه متون پهلوی نپرداخته‌ایم و آن را به اهل فن ارجاع می‌دهیم. بر ترجمه جدید، استاد آموزگار اشرف و امعان نظر داشته‌اند که خود ملاک و سنجشی برای ترجمه مختاریان و باقی از عبارات پهلوی است.

اکنون به جامعه ساسانی ترجمه باقی - مختاریان (با علامت ب) بیشتر نظر می‌کنیم تا ببینیم تا چه اندازه حق استادی و شاگردی را با ترجمه‌ای شایسته و مسئولانه به جای آورده‌اند. برای صحت ادعای خود، به برخی از نقل قول‌ها و نیز سنجش این ترجمه با ترجمه مهرداد قدرت دیزچی (با علامت ق) می‌پردازیم.

«در ادبیات قبل از اسلام، این اصطلاح به معنی طبقه سپاهیان بود که در شاهنامه فردوسی به صورت محرف نیساریان آمده است که شاید صورت صحیح آن تیشتریان باشد که نگارنده حاضر در جایی دیگر بدان اشاره کرده است.» (ب ۱۳)

«این واژه نامی است برای طبقه جنگاوران در نوشته‌های پیش از اسلام و در شاهنامه، به غلط نیسالیان [nisaliyan] نیساریان] ضبط شده که شکل صحیح آن، همان‌گونه که در جای دیگر پیشنهاد کرده‌ام testariyan [تستاریان] بوده است.» (ق ۷)

«... که آتش مقدس و مغان، سپاه را رهنمون می‌شدند» (ب ۱۴) در دوران باستان آتش مقدس و مغان پیشاپیش سپاه در حرکت بودند. «... که آتش مقدس و مغان همراه آن پیشاپیش سپاه» (ق ۸)

«عیب‌های سپاهیان عبارت‌اند از ستم، آزار و پیمان‌شکنی و نابخشنده‌گی، زنجاری، تکبر و خوارداشتن دیگران است.» (ب ۱۶) در مینوی خرد «عیب نظامیان ستم و آزار و پیمان‌شکنی و نابخشنده‌گی و خشونت و تکبر و تحقیر دیگران است.» (ص ۷۷)

در (ب ۱۸) واژه Karavan را «سپاه» و «لشکر» معنی کرده است که درست است، اما چون سخن بر سر کاروان در فارسی باستان، پهلوی و پارتی است، در ترجمه باید «کاروان» نوشت، نه سپاه. واژه Zavar نیز چنین است (همان‌جا) همان‌گونه که در (ق ۱۱ و ۱۲) آمده است.

«با وجود نظر طبری، مقام سپاهیان سپاهبد یا ارتیشتران سالار... از میان نرفت...» (ب ۲۲)

«برخلاف نوشته طبری، گواهی‌های متعددی در دست است که

نشان می‌دهد منصب فرماندهی نیروها... به کلی کنار گذاشته نشد.» (ق ۱۵)

بعد از «... در زبان ارمنی به صورت گند سلر آمده است» (ب ۲۲) عبارت «این عنوان مدتی پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانی همچنان به کار می‌رفت.» (ق ۱۵) از قلم افتاده است.

«دلیل موجهی وجود ندارد که صورت یونانی arkapates را... با ارگبد یکی بدانیم؛ با آن که زمرنی که منکر چنین منصبی در روزگار ساسانیان است.» (ب ۲۳)

«به رغم آن‌که زمرنی چنین عنوانی در دوره ساسانی را رد می‌کند دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که واژه یونانی arkapates را با ارگبد برابر ندانیم.» (ق ۱۶) تفاوت دانستن و ندانستن، کم نیست! قسمت تأکید شده نشان می‌دهد که «ندانیم» درست است.

ترجمه سخترانی دوم نیز خالی از اشتباه نیست: «واژه فارسی باستان نیز از... عیلامی مشتق شده است» (ب، ص ۳۷)

«واژه اخیر احتمالاً از واژه عیلامی... گرفته شده است.» (ق، ص ۲۶)

قید «احتمالاً» تا چه اندازه تفاوت احتیاط و دقت علمی را با بی‌دقتی و عدم احساس مسئولیت گوشزد می‌کند! «اما واژه دبیرد "رئیس دبیران" به صورت... در اسناد نسا نیامده.» (ب ۳۸)

«چرا که نه تنها در اسناد نسا واژه دبیر بزرگ همیشه... تلفظ می‌شده...» (ق ۲۷)

چه بسیار به بیراهه می‌رود و عمر تلف می‌کند محقق که به «در اسناد نسا نیامده» اطمینان و اتکا کند!

«در همه دوران ساسانی، دبیران نقش سیاسی مهمی را ایفا می‌کردند.» (ب ۴۰)

«در دوره ساسانی، دبیرانی بودند که از چهره‌های مهم سیاسی به شمار می‌رفتند.» (ق ۲۸)

(ی) نکره در «دبیرانی» معنای افرادی از دبیران را می‌رساند و «دبیران» همه دبیران را نشان می‌دهد. اما مترجمان به این نکته توجه نکرده‌اند.

«احتمالاً مقام او بالاتر از دبیر و احتمالاً فرماندار بوده است.» (ب ۴۱) یکی از «احتمالاً»‌ها زاید است.

«ابسا احتمالاً گذشته از مقام دبیری، سمت فرمانداری را نیز داشته است.» (ق ۳۰)

«در بنای پایکولی... از دبیر خراج نام برده شده که نام او در هیچ یک از دو تحریر پایکولی نیامده است.» (ب ۴۱ و ۴۲)

«در کتیبه بنای یادمانی... در پایکولی بر پا شد... از یک دبیر مالیه یاده شده است ولی در تحریر دیگر کتیبه، نام او نیامده است.» (ص ۳۰)

«او با بزرگانی همچون سکستان اندرز بد "مشاور سکستان" نرسه مغ و ن، ساتراب زرنگ، همراه است.» (ب ۴۲)

«نرسه با بزرگانی چون سکستان هندرزید، مشار عالی سگستان،

نرسه مغ و ون، شهر ب زرنگ، ارتباط داشته است.» (ق ۳۰)
هر کسی تفاوت همراه و ارتباط را می‌داند و نیز در می‌یابد که
نرسه و ون دو شخص‌اند. (نمونه دیگری از اشتباه نگارشی)
«زمانی که جوانوی بهرام را ملاقات کرد با او به توافق رسید.» (ب)

(۴۴)

«جوانوی چون با بهرام ملاقات کرد به موافقت با او برخاست.» (ق)

(۳۲)

در داستان شاهنامه و طبری سخن از همراهی و پشتیبانی
جوانوی از بهرام است.

در نقل روایت شاهنامه از ریزنی انوشیروان با دبیرش، مترجمین
متأسفانه همت نکردند به شاهنامه مراجعه کنند و ابیات مربوط به آن
را بیاورند (ب ۴۵) تا هم سخن مستندتر شود و هم بر زیبایی بیفزایند.
«جانشین شاه در حضور و با موافقت دبیران مست و موبدان موبد،
بر تخت شهریاری می‌نشست. این چنین، شاپور دوم در حضور دبیران
و موبدان برادرش اردشیر را جانشین خود خواند.» (ب ۴۵)

سخن از معرفی جانشین است نه موافقت و یا نشستن بر تخت
شاهی. اگر مترجمان گرامی به شاهنامه حتی نگاهی می‌انداختند به
اشتباه خود پی می‌بردند. (شاهنامه، ج ۷، ص ۲۵۳)

«اما جایگاه بلندپایه دبیر، گاه با پادافره گران و نیز مرگ همراه
بود.» (ب ۴۵)

«هر چند جایگاه نیرومند دبیر، خطر مجازات شدید یا حتی مرگ
را هم به همراه داشت.» (ق ۳۳)

«آنان که در کتابت کم‌تر خبره بودند و از هوش کم‌تری بهره
داشتند، به سمت صاحب‌منصبان عالی رتبه برگزیده می‌شدند.» (ب)

(۴۷)

اگر مترجمان دقت می‌کردند، صاحب منصبی دبیری بی‌سواد و
کُندهوش را دور از عقل می‌دانستند و برای رفع شبهه به شاهنامه
مراجعه می‌کردند که دبیران، خام‌دستان و کم‌هوشان را به کاردار
می‌سپردند تا مهارت یابند.

کسی را که کم‌تر بدی خط و ویر
نرفتی به دیوان شاه اردشیر

سوی کارداران شندوی بکار
قلم زن بماندی بر شهریار

(شاهنامه، ج ۶ ص ۱۷۴)

«اما از آن‌جا که این عنوان در شاهنامه به صورت دبیرسپاه آمده،
شاید در فارسی میانه به صورت سپاه دبیر یا گند دبیر بوده است.» (ب)

(۴۹)

اما جمله‌ای که مقصود اصلی این عبارت است، از قلم افتاده است:
«در منابع پهلوی به این مقام اشاره نشده...» (ق ۳۶)

بر ترجمه باقی و مختاریان از «دهقانان» نیز ایراداتی چند وارد
است که در آغاز نوشته به دو مورد آن پرداختیم. بعد از این موارد
دیگری را نشان خواهیم داد.

«معنی اصلی دهگان، "متعلق به ده" است.» (ب ۶۳)
«معنی اصلی آن "منسوب به ده" بوده.» («دهقان»، ۱۴۸)

نقل قول طبری و ثعالبی را چنین آورده‌اند: «منوچهر... و مردمان
آن جا را خدمتکار و فرمانبردار او (دهقان) ساخت با فروتنی به آنان
لباس پوشانید...» و «... و مردمان را خدمتکار او ساخت. با فروتنی به
آنان لباس پوشانید...» (ب ۶۶) چنین نیست که آورده‌اند. بلکه منوچهر
مردم را به کار و خدمت دهقان ملزم ساخت نه این‌که لباس معمول و
مرسوم را فروتنانه بر آنان پوشانید. ثعالبی روایت می‌کند که «و در
تاریخ طبری آمده است که منوچهر... بر هر دهستانی دهخدایی
(دهقان) گماشت و دهنشینان را به کار و زراعت واداشت و خواست که
لباس رنجبری پوشند...» (ثعالبی، ص ۵۰)

سخن طبری چنین است: «فجعل لكل قرية دهقاناً وجعل اهلها
له خولاً و عبیداً و البسه لهم لباس المذلة و امرهم بطاعة.» (طبری، ج ۱،
ص ۴۳۴، به نقل از حاشیه بلعمی، ص ۳۴۵)

«... و مردم را خادم و خدمتکار او (دهقان) کرد و جامه فروتنی بر
ایشان پوشانید...» و «مردم را در خدمت او (دهقان) کرد و جامه فروتنی
برایشان پوشانید...» (ق ۵۱)

همان‌گونه که پیش از این نشان دادیم در مواردی مختاریان و
باقی به منبع نقل قول‌ها بی‌توجه بوده‌اند. حاصل کار، ترجمه‌ای
نادرست یا عبارتی حشوآمیز است.

«منوچهر طبقه دهقانان (یا دهقانی) را بی‌نهاد...» (ب ۶۶) اما
ابن بلخی موجز گفته است: «و دهقانی او پدید آورد.» (فارسانه، ص
۳۷)

«از طبقه دهقانان همان‌گونه که از شاهی خود نگهداری می‌کنی،
نگهداری کن، چرا که آنان همانند برادران تو هستند...» (ب ۶۱) اگر به
تاریخ ثعالبی مراجعه می‌شد، در می‌یافتند که ترجمه ایشان نادرست
است. ثعالبی نمی‌گوید: «همانند برادران تو» بلکه می‌گوید: «... این دو
(شاهی و دهقانی) برادران‌اند...» (ثعالبی، ص ۹) ترجمه دوم، عبارت
ثعالبی را به درستی نقل کرده است. (ق ۵۱)

«اما جایگاه دهقانان فروتر از مقام زمین‌داران آزاده به نظر
می‌رسد.» (ب ۶۸) اگر به کتاب ایران در زمان ساسانیان رجوع کنیم
می‌بینیم که سخن از مقایسه «املاک دهقانان» با املاک «نجبای
زمین‌دار» است. (کریستین سن، ص ۷۹) که «املاک مزروعی دهقانان
می‌بایست از املاک نجبای زمین‌دار محدودتر باشد.» («دهقان»، ص
۱۴۹).

«با حملات ناگهانی به سرزمین‌های دهقانان سواد» و
[دهقانان] با تسلیم شدن در برابر سپاهیان پیروزمند اعراب و
پرداخت جزیه، سرزمین‌های خود را حفظ کنند.» (ب ۶۸) به جای
«سرزمین» باید نوشت «املاک» یا «زمین‌های زراعتی»، چون
بی‌گمان «سرزمین» به معنی کشور و محدوده حکمرانی حاکمان و
شاهان را به ذهن می‌آورد. هر چند در گذشته «ده» نه در معنی امروزی،
بلکه در مفهوم اصلی سرزمین بوده. («دهقان»، ۱۴۸)

«ایشان [دهقانان] روش جمع‌آوری مالیات را بهتر می‌دانند و
صادق‌تر از اعراب هستند. گرفتن خراج و جزیه از ایشان، آسان‌تر از
اعراب است.» (ب ۷۰) از این عبارت تنها یک مفهوم استنباط می‌شود:
اعراب نیز همانند غیرمسلمانان خراج و جزیه می‌پردازند، اما نه به

یک صف حران و پیر صالح دهقان
خسرو بر تخت پیشگاه نشسته
شاه ملوک جهان امیر خراسان

(تاریخ سیستان، ص ۳۱۹)

ما به نمونه‌هایی بسنده کردیم. هر چند به علت دسترسی نداشتن به منابع آمده در کتاب‌شناسی ترجمه نتوانستیم همهٔ ارجاعات را بررسی کنیم، ولی همین نمونه‌های گفته شده برای داوری دربارهٔ ترجمهٔ مختاریان و باقی کفایت می‌کند. کاش مترجمان محترم مقالهٔ «دهقان» آن زنده یاد را به هنگام ترجمه پیش چشم می‌داشتند تا راهنمای آنان می‌شد.

منابع

۱. تاریخ بلعی، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، ج ۱، (۱۳۵۳).
۲. تاریخ ثعالی، (غیر الاخبار ملوک الفرس...)، عبدالملک ثعالی، ترجمهٔ محمد فضالی، (۱۳۶۸).
۳. تاریخ سیستان، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، (۱۳۶۶).
۴. شاهنامهٔ فردوسی، چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان.
۵. «دهقان»، احمد تفضلی، ترجمهٔ ابوالفضل خطیبی، نامهٔ فرهنگستان، ش ۹.
۶. مینوی خرد، احمد تفضلی، ج ۲، (تهران: توس، ۱۳۶۴).

آسانی دهقانان. آیا در متون تاریخی می‌توان یافت که مسلمانان، آن هم اعراب جزیه بدهند؟ اصل ماجرا این است که دهقانان خراج و جزیه را به نمایندگی از سوی حاکم عراق با درایت و کاردانی جمع‌آوری می‌کردند و درستکارانه در اختیار حاکم مسلمان قرار می‌دادند. «... همچنین از آنان راحت‌تر از اعراب می‌توان مالیات گرفته شده را ستاند.» (ق ۵۴)

«در بعضی موارد دهقانان می‌توانستند به هنگام بروز اختلاف به نفع یکی از طرفین پادرمیانی کنند.» (ب ۷۳) تا آن‌جا که می‌دانیم معنی «پادرمیانی» وساطت کردن به نفع طرفین یا طلب گذشت است. اما در کشمکش‌ها و اختلافات «به نفع» کسی باید «هواداری» کرد. پس «در مواردی، دهقانان، به هواداری یکی از گروه‌ها، وارد میدان مخاصمت می‌شدند.» («دهقان»، ۱۵۱)

رودکی در وصف ضیافت امیرسامانی «از دهقانی به عنوان پیر صالح یاد کرده که نزد آزادگان (حران) نشسته بود و مقام وی هم ارز امیران و وزیراعظم، محمدبلعی، بود.» (ب ۷۳) با اندکی تأمل و دقت می‌توان از خود پرسید چگونه دهقانی «هم ارز امیر و وزیر» است؟ یا ترجمه ایراد دارد یا زنده نام تفضلی اشتباه کرده است؛ چرا که هیچ‌کس مصون از خطا نیست. برای رفع شبهه می‌توانستند به تاریخ سیستان یا دیوان رودکی رجوع کنند. یک صف میران و بلعی بنشسته

بنیاد کودک همواره به این می‌اندیشد که هیچ دانش‌آموز با استعدادی نباید به علت مشکلات مالی از تحصیل و تلاش باز بماند.

بنیاد کودک
Child Foundation

دفتر مرکزی: تهران، خیابان خرمشهر، خیابان گلشن، کوچه گلزار، پلاک ۲۰
صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۲۱۷۹ | تلفن: ۰۲۱۸۲-۸۸۵ | فاکس: ۸۸۷۴۴۷۱

بنیاد کودک تنها موسسه خیریه مردم‌تهداد ایرانی می‌باشد که علاوه بر ایجاد دلتا تر رسمی در کشورهای آمریکا، سوئیس و امارات متحده، عربی، هم‌اکنون با تحت پوشش قرار دادن ۳۲۰۰۰ مددجو در اقصا نقاط ایران، شعبه‌های فضایی در تهران، شیراز، کومانشاه، سروجرد، اردبیل، ارومیه، بم، کاشان، مشهد، تبریز، آمل، اصفهان و یاسوج دارد.

« با پذیرش کفالت یک دانش‌آموز نیازمند و با استعداد، زندگی و تحصیل او را بیمه کنیم »

www.childf.org
info@childf.org